



اعتبارسنجی الگوی خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری دیجیتال در ایران

مه‌دی قدمی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مرتضی موسی‌خانی

استاد مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سید مه‌دی الوانی

استاد مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

حمیدرضا یزدانی

استادیار گروه مدیریت بازرگانی و کسب و کار، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

چکیده

با توجه به تغییرات و تحولات روزافزون در عرصه‌های مختلف از جمله در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی، منتقدان مدیریت دولتی اعتقاد دارند الگوهای سلسله‌مراتبی، کارایی لازم برای حل چالش‌های کنونی را ندارند. به همین دلیل، در پی یافتن راهکارهای نوین، مفهوم شبکه‌سازی وارد عرصه مربوط به مباحث مدیریت دولتی و خط‌مشی‌های عمومی دولت شده است. شبکه‌ها امکان شناسایی همه ذی‌نفعان و مشارکت آنها در فرآیند خط‌مشی‌گذاری را فراهم می‌کنند. با توجه به این مهم که دیجیتالی شدن اقتصاد و به تبع آن، صنعت بانکداری از پدیده‌های عصر حاضر هستند، خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای در عرصه بانکداری دیجیتال، با در نظر گرفتن بازیگران و ذی‌نفعان ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش با هدف اعتبارسنجی الگوی خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال در نظام بانکی ایران انجام شده است. روش تحقیق مبتنی بر استفاده از تکنیک‌های تجزیه و تحلیل کیفی (با تمرکز بر تحلیل مضمون) و کمی (با تمرکز بر تحلیل عاملی تأییدی^۱) می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: خط‌مشی‌گذاری عمومی، شبکه خط‌مشی، نظام بانکداری ایران، بانکداری دیجیتال، تحلیل عاملی تأییدی.

^۱ Confirmatory Factor Analysis (CFA)

۱- مقدمه

از سال‌های دور تاکنون، بحث درباره جامعه مشارکتی و مردم‌سالار، یکی از مباحث مهم در بین پژوهشگران خط‌مشی‌گذاری بوده است. افرادی همچون فیشر (۱۹۸۹)، درایزک (۱۹۹۶)، لاسول (۱۹۵۱) و پی‌دلون (۱۹۹۲)، همواره خواهان مشارکت مدنی در همه‌ی سطوح سازمان‌های دولتی بوده‌اند؛ اما برخی از سنت‌گرایان افراطی، تأکید بر مدل‌های سلسله‌مراتبی داشته و دارند. طی سال‌ها، به موازات این که شهروندان بیشتری برای حل مسائل اجتماعی به دولت مراجعه کرده‌اند، اندازه دولت نیز رشد پیدا کرده و خط‌مشی‌های عمومی به تمام حوزه‌های زندگی، نفوذ یافته‌اند. فرآیند خط‌مشی‌گذاری، مجموعه‌ای از تعاملات بین بازیگران را با هدف تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری عمومی پیرامون موضوعات و مسائل مختلف، در بر می‌گیرد. بنابراین، این فرآیند یک بازی با نقش‌آفرینی بازیگران متعدد است (ژنگ و همکاران، ۲۰۱۰). در واقع، دولت‌ها در ازای امکان‌دادن به بازیگران برای مشارکت در خط‌مشی‌گذاری، مشروعیت و حمایت را از آن‌ها دریافت می‌کنند (موشیز و استولز، ۲۰۱۰). بر همین اساس، ایجاد و به‌کارگیری شبکه‌های خط‌مشی به‌عنوان واکنش مناسب نسبت به افزایش تقاضای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌گذاری‌های مربوط به بخش‌های مختلف جامعه توصیه شده است (کاملی، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر، طرح تحول بانک‌ها به سمت دیجیتال شدن، طرح تحول پیچیده‌ای است که مبتنی بر برنامه‌ریزی جامع می‌باشد. در فرآیند خط‌مشی‌گذاری بانکداری دیجیتال در کشور، بازیگران متعددی وجود دارند که ایفای نقش می‌نمایند، درحالی‌که نظام خط‌مشی‌گذاری بانکداری دیجیتال در کشور از چارچوبی منسجم برخوردار نمی‌باشد. از این رو، این پژوهش با توجه به اهمیت استقرار بانکداری دیجیتال در نظام بانکی کشور و با هدف در نظر گرفتن نحوه تعامل و روابط میان عوامل اثرگذار و بازیگران نظام خط‌مشی‌گذاری، به دنبال شناسایی و اعتبارسنجی ابعاد و مؤلفه‌های الگوی خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال در ایران به پشتوانه استفاده از روش‌های موجود در تحلیل داده‌های کیفی، با تأکید بر تحلیل مضمون و تحلیل داده‌های کمی، با تمرکز بر روش تحلیل عاملی تأییدی، به عنوان روشی با هدف تعیین میزان توان مدل نظری با مجموعه‌ای از داده‌های مشاهده‌شده، می‌باشد.

از منظر اهمیت نظری، عدم مشارکت ذی‌نفعان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری، مانع شناسایی کامل مسأله در مرحله اجراء می‌شود. از حیث اهمیت کاربردی نیز بهره‌گیری از رویکرد شبکه‌ای در خط‌مشی‌گذاری حوزه بانکی کشور می‌تواند پیامدهای مثبتی نظیر اصلاح ساختار سازمان‌های اقتصادی و تأمین منافع همه ذی‌نفعان را در پی داشته باشد.

با عنایت به موارد فوق و ضرورت توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هر کشور در عرصه خط‌مشی‌گذاری عمومی، شناسایی و اعتبارسنجی ابعاد و مؤلفه‌های الگوی خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری دیجیتال در کشور، به‌منظور ایجاد بستری مناسب برای رشد و توسعه اقتصادی کشور به‌ویژه در عرصه نظام بانکی ایران و در راستای تأمین منافع نسل امروز و نسل‌های آینده کشور ضرورت می‌یابد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مبانی نظری تحقیق

خطمشی عمومی: خطمشی عمومی به تصمیمی گفته می‌شود که توسط دولت‌ها، با توجه به هدفی که تعریف کرده‌اند و ابزاری که برای رسیدن به هدف مشخص نموده‌اند، اتخاذ می‌گردد. در ادامه، باید گفت تصمیمات و سیاست‌هایی که توسط مراجع مختلف عمومی مثل قوه قضائیه و مجلس گرفته می‌شوند هم جز خطمشی‌ها می‌باشند (الوانی و همکاران، ۱۳۹۰).

فرآیند خطمشی‌گذاری عمومی: این فرآیند شامل مراحل دستورکارگذاری، شکل‌گیری خطمشی، تصمیم‌گیری، اجرای خطمشی و ارزیابی خطمشی است (پرل و هاوالت، ۲۰۱۸).

خطمشی‌گذاری شبکه‌ای: چارچوب شبکه‌ای در خطمشی‌گذاری عمومی، مبین آن است که خطمشی در فرآیندهای تعاملی پیچیده بین تعداد زیادی از بازیگران که در شبکه‌های بازیگران وابسته به یکدیگر قرار دارند، توسعه یافته است (هراس و همکاران، ۲۰۲۰). در رویکردهای مبتنی بر شبکه‌سازی، تعاملات افقی و پائین به بالای بازیگران، شهروندان و سازمان‌ها در نظر گرفته می‌شوند و وسعت شبکه می‌تواند از مرزهای یک دولت نیز عبور کند (اسکندری نیا و همکاران، ۱۳۹۷). ابعاد شبکه‌های خطمشی شامل بازیگران شبکه، فرآیندهای خطمشی‌گذاری، پیامدها و مدیریت شبکه‌ها است (مختاریان پور و همکاران، ۱۳۹۴).

بانکداری دیجیتال: دیجیتالی شدن به طور صحیح به معنی توانمندی در استفاده از بانکداری مبتنی بر تجربه بوده که مستلزم پوشش هر دو گروه تجربه مشتری و تجربه اجراء است (دیکینسون، ۲۰۱۹). بانک دیجیتال از طریق مهندسی مجدد سیستم‌های کنونی با محوریت مشتری و انطباق با نیازهای وی به وجود می‌آید (اسکینر، ۲۰۱۴).

پیشینه پژوهش

در ارتباط با رویکرد حکمرانی از طریق شبکه‌های خطمشی، طراحی الگو برای خطمشی‌گذاری در حوزه‌های مختلف و مشارکت شبکه‌های خطمشی‌گذاری، پژوهش‌های داخلی و خارجی‌ای انجام پذیرفته است که برخی از مطالعات پیشین صورت گرفته به شرح زیر می‌باشند:

گل‌دار و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان طراحی چارچوب مفهومی درگیرسازی ذی‌نفعان در خطمشی‌گذاری عمومی، به بررسی و گسترش قلمرو موضوعی نظریه ذی‌نفعان در حوزه خطمشی‌گذاری عمومی و حکمرانی خوب در بخش عمومی پرداخته‌اند. این تحقیق، با استفاده از روش شناسی کیفی انجام شده است. یافته‌های تحقیق مشتمل بر ابعاد پنج‌گانه عوامل زمینه‌ای؛ عوامل تسهیل‌گر و بازدارنده؛ شناسایی و مواجهه با مسأله عمومی؛ درگیرسازی ذی‌نفعان در خطمشی‌گذاری عمومی و وضع خطمشی‌های مطلوب است که در قالب الگوی سیپ (CIPP) به تصویر کشیده شده‌اند.

جهان‌دیده و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان طراحی مدلی برای خطمشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه گردشگری کشور، به دنبال طراحی و اعتبارسنجی مدل مناسب خطمشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه گردشگری

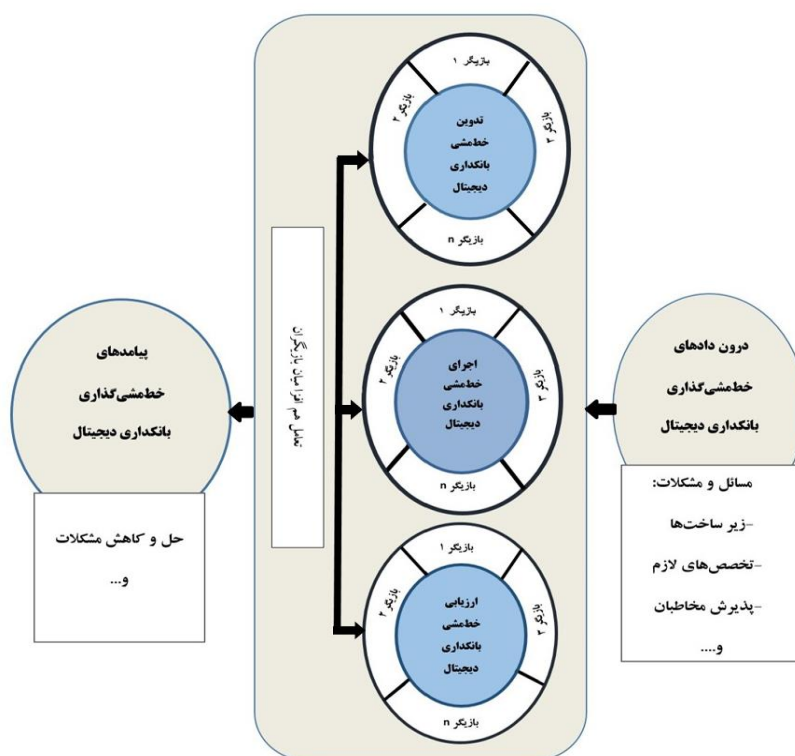
بوده‌اند. بدین منظور، تحقیق یادشده با هدف کاربردی و رویکرد آمیخته انجام گرفته است. تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، از طریق تحلیل تم و در بخش کمی، از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شده است. شریف‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان ارائه مدلی با رویکرد شبکه‌ای به خطمشی‌گذاری کارآفرینی، به تدوین یک الگوی ویژه خطمشی‌گذاری در حوزه کارآفرینی پرداخته‌اند. رویکرد این پژوهش، آمیخته و ابزار مورد استفاده، مصاحبه و تحلیل تم بوده است که در بخش کمی، از پرسش‌نامه و معادلات ساختاری استفاده شده است. ۳۱ مؤلفه در چهار بعد ضرورت، ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای شناسایی شده‌اند. ژنگ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود با عنوان استفاده از نظریه شبکه خطمشی در خطمشی‌گذاری در چین، مورد اصلاح بیمه درمانی شهری؛ به بررسی روند خطمشی‌گذاری شبکه‌ای در سیستم بیمه درمانی چین پرداخته‌اند. از دیدگاه آنان، مجموعه نظریه شبکه خطمشی برای توصیف و توضیح فرآیندهای خطمشی‌گذاری در بستر کشور چین مفید است. با این حال، محدودیت‌هایی در مدل عمومی در به‌کارگیری سیستم‌های سیاسی و اداری کاملاً متفاوت با غرب، به‌ویژه در رابطه با ارزش‌های فرهنگی کشور چین در هنگام استفاده از برخی روش‌های تحقیق معمول وجود دارد.

هان و یه (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان خطمشی‌گذاری آموزش و پرورش چین، با رویکرد شبکه‌ای خطمشی؛ به بررسی و ارائه الگوی خطمشی‌گذاری شبکه‌ای در سیستم آموزشی چین پرداخته‌اند. روش پژوهش، مطالعه موردی با رویکردی اکتشافی است. خطمشی‌گذاری آموزش و پرورش چین تغییر کرده است، به‌نحوی که سه تغییر برجسته در این رابطه، عبارت از انتقال از روش‌های تحت سیطره حزب به روشی که عمدتاً توسط دولت مرکزی هدایت می‌شود، ایفای نقش مؤسسات آموزش عالی و دانشمندان به عنوان «گروه ذی‌نفع حرفه‌ای» در بستر کشور چین و افزایش مشارکت بازیگران غیردولتی در روند خطمشی‌گذاری می‌باشند.

هوکسا (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان همکاری و مشارکت شبکه‌های خطمشی‌گذاری در بخش بهداشت ترکیه، به بررسی خطمشی‌گذاری در بخش بهداشت از طریق مشارکت و شبکه‌ها پرداخته است. روش این پژوهش، کیفی و ابزار مورد استفاده مصاحبه می‌باشد. وی نتیجه‌گیری نموده است که در خطمشی‌گذاری شبکه‌ای: (الف) نوآوری در خطمشی از طریق به اشتراک‌گذاری تخصص و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، مرتبط با سطح بالایی از ظرفیت است. (ب) اثربخشی خطمشی از طریق اجرای قرارداد در یک چارچوب قانونی مشخص همراه با سطح بالایی از ظرفیت نهادی محقق می‌گردد و (ج) انسجام‌بخشی به خطمشی از طریق به اشتراک‌گذاری دانش، باعث هماهنگی بازیگران می‌شود.

کانور و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان تصویب کانال‌های بانکداری دیجیتال در اقتصاد در حال ظهور، به بررسی سیستم بانکداری دیجیتال در کشور هند پرداخته‌اند. هدف از این مطالعه کیفی، تجزیه و تحلیل تلاش بانک‌ها برای حرکت از بانکداری سنتی به بانکداری دیجیتال است. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته با مدیران بانکی می‌باشد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

در نهایت، بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد پژوهشی که به صورت خاص به موضوع خطمشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری دیجیتال پرداخته باشد، انجام نشده است. مدل مفهومی پایه این پژوهش که براساس چارچوب و اصول کلی مستخرج از تحقیقات و پژوهش‌های پژوهشگرانی همچون هوکسا (۲۰۲۰)، شریف‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) و جهان‌دیده و همکاران (۱۳۹۶) تدوین شده است، در قالب شکل (۱) ارائه می‌گردد.



شکل (۱): مدل مفهومی پایه پژوهش

روش پژوهش

در این پژوهش، تلاش گردیده است براساس اطلاعات جمع‌آوری شده از نمونه آماری، به تحلیل داده‌ها پرداخته شده و الگوی خطمشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری دیجیتال کشور، بررسی و اعتبارسنجی گردد. بدین منظور، پس از بهره‌گیری از نتایج روش کیفی تحلیل مضمون در رابطه با مصاحبه‌های صورت‌گرفته با خبرگان صنعت بانکداری و امور اقتصادی، از داده‌های مستخرج از پرسش‌نامه طراحی‌شده برای این موضوع، استفاده شده

و از روش‌های کمی جهت اعتبارسنجی الگوی تدوین‌شده به‌منظور خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری دیجیتال بهره‌گیری می‌شود (قدمی و همکاران، ۱۴۰۱).

در این مطالعه، جهت ساخت مدل از روش کیفی تحلیل مضمون و جهت برازش و آزمون مدل از روش‌های کمی آمار استنباطی و تحلیل عاملی تأییدی به کمک نرم‌افزار Smart PLS3 به دلیل بهره‌مندی از قابلیت‌هایی مانند امکان استفاده از مدل‌های اندازه‌گیری با یک شاخص (سؤال)، قدرت پیش‌بینی مناسب و رویارویی با داده‌های غیرنرمال استفاده شده است.

این پژوهش از لحاظ پارادایمی یک پژوهش تفسیری است. به لحاظ جهت‌گیری، یک پژوهش توسعه‌ای-کاربردی است و از لحاظ رویکرد پژوهشی، یک پژوهش استقرایی می‌باشد. این پژوهش از لحاظ روش‌شناسی، یک پژوهش آمیخته از نوع اکتشافی است. در تحقیق آمیخته اکتشافی، پژوهشگر درصدد زمینه‌یابی «موقعیت نامعین» می‌باشد. برای این منظور، ابتدا به گردآوری داده‌های کیفی پرداخته می‌شود که انجام این مرحله منجر به توصیف جنبه‌های بیشماری از پدیده می‌گردد. پس از آن در مرحله بعدی، می‌توان از طریق گردآوری داده‌های کمی، مدل و فرضیه‌ها را مورد آزمون قرار داد. مراحل کلی اجرای پژوهش، در دو بخش کیفی و کمی به شرح گام‌های ذیل می‌باشد:

بخش کیفی:

گام نخست: بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق، گام دوم: تدوین چارچوب اولیه و مدل نظری تحقیق، گام سوم: طراحی چارچوب مصاحبه برای اخذ آرای خبرگان، گام چهارم: تحلیل کیفی مضمون (استخراج مدل پژوهش)

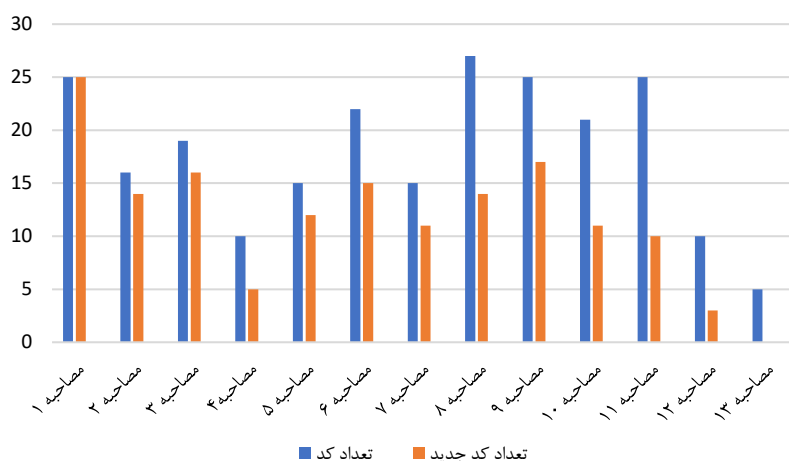
بخش کمی:

گام پنجم: طراحی پرسش‌نامه، به‌منظور اعتبارسنجی مدل خام پژوهش، گام ششم: توزیع پرسش‌نامه بین خبرگان بانکی و اقتصادی، گام هفتم: تحلیل داده‌های کمی و ارائه الگوی نهایی خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری دیجیتال در ایران، بر مبنای نتایج اعتبارسنجی.

جامعه آماری: جامعه آماری پژوهش، در بخش کیفی، خبرگان و متخصصان دخیل در برنامه‌ریزی و خط‌مشی‌گذاری اقتصادی و بانکی کشور به ویژه بانکداری دیجیتال هستند. در مرحله کمی پژوهش نیز جهت اعتبارسنجی الگوی استخراجی، نظر مدیران و کارشناسان بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و نیز بانک‌های دولتی و خصوصی در حوزه خط‌مشی‌گذاری و بانکداری دیجیتال، با در نظرگیری میزان تجربه کاری آن‌ها در حوزه تحقیق، مبنا قرار گرفته است.

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه: در این پژوهش، تلفیقی از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی مورد استفاده قرار گرفته است. در این نمونه‌گیری، برخلاف نمونه‌گیری احتمالی، هدف، استنباط آماری نبوده، بلکه هدف آن است که مناسب‌ترین نمونه‌ها برای دستیابی به هدف تحقیق استفاده شوند. همچنین، براساس قواعد نمونه‌گیری آمار چند متغیره، حجم نمونه ۱۰۰ تعیین گردید (آذر و همکاران، ۱۳۹۱).

در پژوهش حاضر، کفایت نمونه‌گیری در بخش کیفی، طبق قاعده اشباع نظری مشخص شده است، به‌طوریکه اشباع داده‌ها با انجام ۱۳ مصاحبه مشاهده گردید. در نمودار (۱)، مسیر به اشباع رسیدن داده‌ها، براساس مصاحبه‌های انجام‌شده و کدهای استخراجی مشاهده می‌شود.



نمودار (۱): مسیر به اشباع رسیدن داده‌ها

یافته‌های پژوهش

یافته‌های بخش کیفی:

در این قسمت، داده‌های حاصل از ۱۳ مصاحبه پیاده‌سازی گردیده و سپس به هر یک از مصاحبه‌های انجام شده یک کد اختصاص داده شده است.

پایایی، به سازگاری یافته‌های پژوهش اطلاق می‌شود. درخصوص پایایی، از آنجائی که در تحلیل داده‌های کیفی در پژوهش حاضر از روش کدگذاری استفاده شده است، در آزمون پایایی ابزار نیز باید از روشی همسو با روش تحلیل (درصد توافق درون‌موضوعی) بهره‌گیری شود (لک و همکاران، ۱۳۹۵):

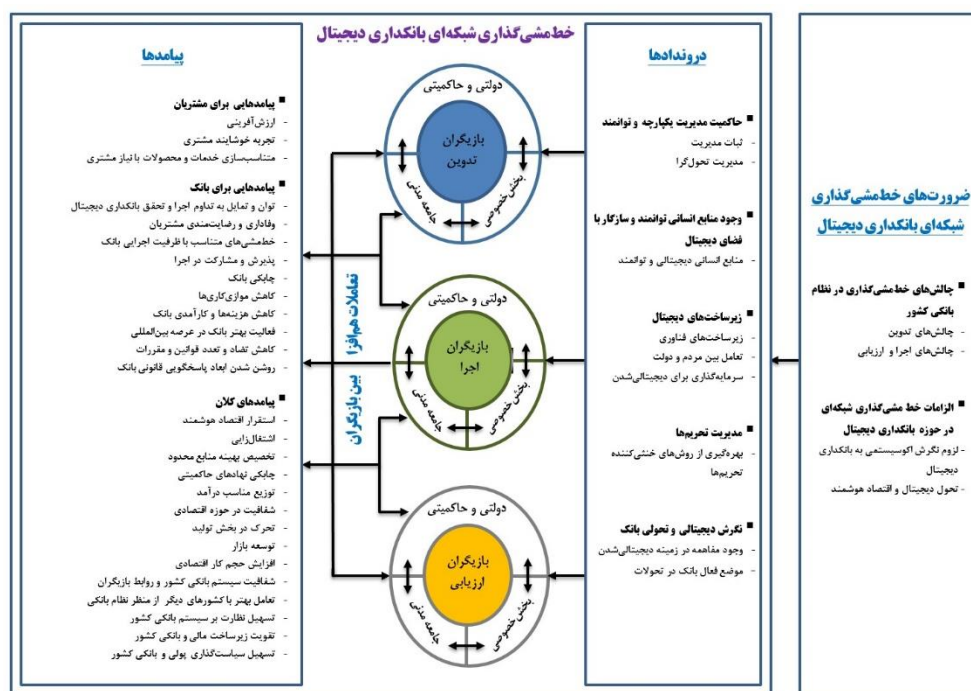
$$\text{درصد توافق درون‌موضوعی} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

در این تحقیق، پایایی برابر ۸۶ درصد حاصل گردیده که به‌مفهوم قابل اعتماد بودن کدگذاری‌ها می‌باشد. محاسبات مربوطه، در جدول (۱) درج شده است.

جدول (۱): نتایج بررسی پایایی بین دو کدگذار

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل داده‌ها	تعداد توافقات	پایایی بازآزمون (درصد)
۱	اول	۲۵	۱۲	۹۶
۲	دوم	۱۶	۶	۷۵
۳	دوازدهم	۱۰	۴	۸۰
۴	کل	۵۱	۲۲	۸۶

در نهایت، با توجه به تحلیل داده‌های کیفی به روش تحلیل مضمون، مدل پژوهش در قالب شکل (۲) ترسیم شده است (قدمی و همکاران، ۱۴۰۱).



شکل (۲): مدل پژوهش

یافته‌های بخش کمی:

در این بخش، پرسش‌نامه‌ای به منظور اعتبارسنجی مدل، طراحی گردید. سوالات این پرسش‌نامه بر مبنای پیشینه و نظرات تخصصی خبرگان در خصوص معرفی ابعاد، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های مرتبط با الگوی خط‌مشی‌گذاری

شبکه‌ای در حوزه بانکداری دیجیتال تدوین گردید. ۹۵ سؤال این پرسش‌نامه به تفکیک پنج بعد: ضرورت‌های خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال (۴ سؤال)، دروندادهای خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال (۹ سؤال)، بازیگران مراحل خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال (۴۹ سؤال)، تعاملات هم‌افزا بین بازیگران خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال (۶ سؤال)، پیامدهای خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال (۲۷ سؤال) با مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های مرتبط طراحی شده است. مشخصات جمعیت‌شناختی اعضای نمونه پژوهش در جدول (۲) ارائه گردیده است.

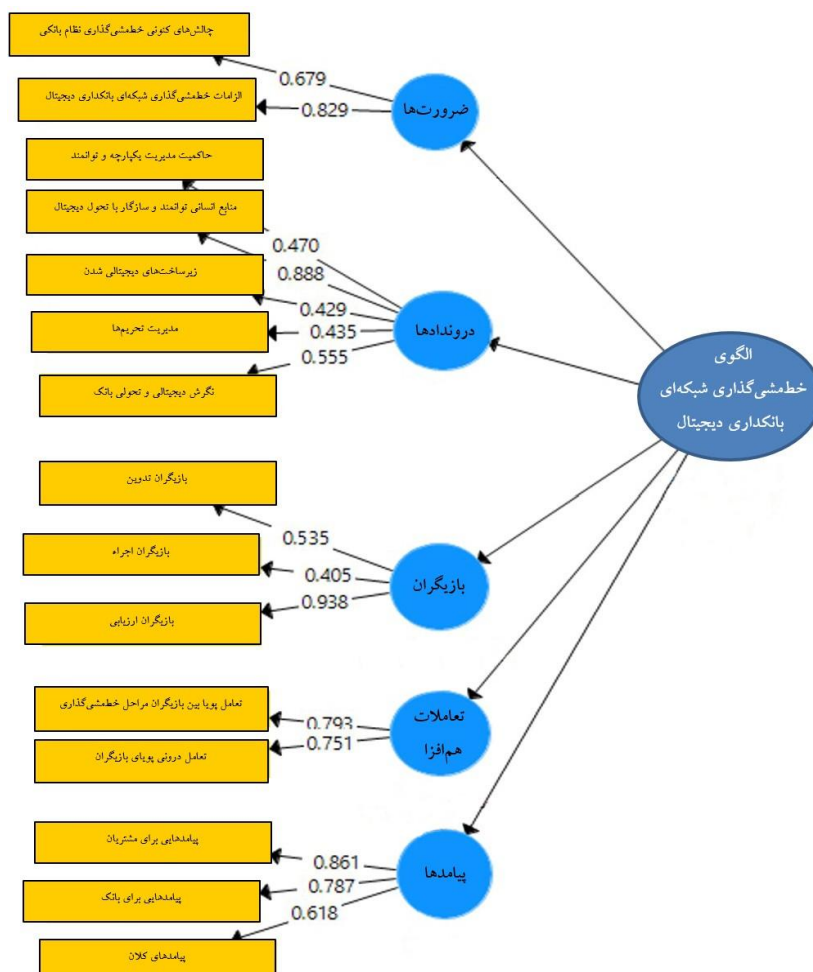
جدول (۲): مشخصات متغیرهای جمعیت‌شناختی نمونه آماری

متغیرها	فراوانی	فراوانی تجمعی
مدرک تحصیلی	کارشناسی	۲۴
	کارشناسی ارشد	۸۰
	دکتری تخصصی	۹۴
	بدون پاسخ	۱۰۰
سنوات خدمت	۵ الی ۱۰ سال	۹
	۱۱ الی ۱۵ سال	۲۴
	۱۶ الی ۲۰ سال	۷۴
	۲۱ الی ۳۰ سال	۹۶
	بدون پاسخ	۱۰۰
نوع همکاری	اعضای هیأت علمی	۸
	مدیران فعال در صنعت بانکداری و اقتصادی	۲۵
	کارشناسان فعال در صنعت بانکداری و اقتصادی	۹۳
	بدون پاسخ	۱۰۰

اعتبارسنجی الگوی پژوهش با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی:

در این بخش به کمک خروجی به دست آمده از اجرای روش تحلیل عاملی تأییدی، ابعاد و مؤلفه‌های الگوی خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری دیجیتال در ایران، اعتبارسنجی می‌شوند. همانطور که در شکل (۳) مشاهده می‌شود از مقادیر متغیرهای مکنون در جایگاه ابعاد الگوی موردنظر استفاده شده است. در ادامه، به بررسی بارعاملی هریک از مؤلفه‌های مرتبط با ابعاد پرداخته می‌شود. براساس نتایج محاسبات انجام‌شده که در جدول (۳) ارائه گردیده است، مشخص است که بار عاملی همه مؤلفه‌های مرتبط با ابعاد از آستانه موردقبول در تحلیل عاملی (۰/۴) بیشتر می‌باشد. این بدان معنی است که مدل، برازش لازم را با تمامی ابعاد و مؤلفه‌های مرتبط دارد. همچنین، نتایج اعتبارسنجی انجام‌شده که در قالب جدول (۴) ارائه شده است، نشان‌دهنده

معنادار بودن تحلیل عاملی تأییدی در سطح ابعاد الگوی خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری دیجیتال در ایران است.



شکل (۳): نتایج تحلیل عاملی مؤلفه‌های مرتبط با ابعاد الگوی خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری دیجیتال

جدول (۳): بارهای عاملی مؤلفه‌های مرتبط با ابعاد الگوی خطمشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری دیجیتال

بار عاملی	مؤلفه	بار عاملی	مؤلفه	بار عاملی	مؤلفه
۰/۷۹۳	تعامل پویا بین بازیگران مراحل مختلف خطمشی‌گذاری	۰/۴۳۵	مدیریت تحریم‌ها	۰/۶۷۹	چالش‌های کنونی خطمشی‌گذاری در نظام بانکی کشور
۰/۷۵۱	تعامل درونی پویای بازیگران	۰/۵۵۵	نگرش دیجیتالی و تحولی بانک	۰/۶۳۰	الزامات خطمشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال
۰/۸۶۱	پیامدهایی برای مشتریان	۰/۵۳۵	بازیگران تدوین	۰/۴۷۰	حاکمیت مدیریت یکپارچه و توانمند
۰/۷۸۷	پیامدهایی برای بانک	۰/۴۰۵	بازیگران اجراء	۰/۸۸۸	منابع انسانی توانمند و سازگار با فضای تحول دیجیتال
۰/۶۱۸	پیامدهای کلان	۰/۹۳۸	بازیگران ارزیابی	۰/۴۲۹	زیرساخت‌های دیجیتالی شدن

جدول (۴): نتایج برازش مبتنی بر تحلیل عاملی ابعاد الگوی خطمشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری

دیجیتال

سازگاری درونی، آلفای کرونباخ، α (>0.7)	ضریب تعیین R^2 (۰/۳۳) و ۰/۶۷ به‌عنوان مقادیر متوسط (و قوی)	پایایی مرکب، CR (>0.7)	متوسط واریانس استخراجی، روایی همگرا، AVE (>0.5)	الگوی خطمشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال
۰/۷۳۶	-	۰/۸۲۲	۰/۶۳۴	الگوی خطمشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال
۰/۸۵۶	۰/۳۵۶	۰/۷۲۷	۰/۵۷۴	ضرورت‌های خطمشی‌گذاری
۰/۸۳۱	۰/۴۵۶	۰/۸۴۸	۰/۷۳۶	دروندها
۰/۸۱۲	۰/۵۴۳	۰/۸۷۷	۰/۶۴۳	بازیگران خطمشی‌گذاری
۰/۸۱۴	۰/۳۵۹	۰/۷۴۷	۰/۵۹۶	تعاملات هم‌افزا بین بازیگران
۰/۷۰۹	۰/۶۵۴	۰/۷۵۵	۰/۶۸۷	پیامدها

مشابه سطح ابعاد، در سطح مؤلفه‌ها نیز به کمک تحلیل عاملی تأییدی، زیرمؤلفه‌های استخراج شده که دارای بار عاملی بیش از ۰/۴ است، در مدل حفظ می‌شوند. نتایج برازش مدل تحلیل عاملی و بررسی روایی و پایایی مدل در رابطه با ابعاد و مؤلفه‌های الگو و نیز به‌عنوان نمونه، زیرمؤلفه‌های مرتبط با بازیگران هر مرحله (تدوین، اجراء و ارزیابی) به شرح جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵): نتایج برازش مبتنی بر تحلیل عاملی ابعاد و مؤلفه‌های الگوی خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه

بانکداری دیجیتال

بعد / مؤلفه / زیرمؤلفه	AVE	CR	R ²	α
ضرورت‌های خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال	۰/۵۱۱	۰/۷۲۹	-	۰/۷۰۱
چالش‌های کنونی خط‌مشی‌گذاری در نظام بانکی کشور	۰/۵۸۰	۰/۷۲۹	۰/۶۹۸	۰/۸۱۹
الزامات خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال	۰/۵۰۰	۰/۷۱۴	۰/۴۹۰	۰/۷۹۳
دروندهای خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال	۰/۵۵۶	۰/۷۱۸	-	۰/۷۸۲
حاکمیت مدیریت یکپارچه و توانمند	۰/۶۹۹	۰/۸۲۲	۰/۶۲۳	۰/۷۷۵
منابع انسانی توانمند و سازگار با فضای دیجیتال	۱	۱	۰/۴۶۰	۱
زیرساخت‌های دیجیتالی شدن	۰/۵۳۹	۰/۷۲۵	۰/۵۴۴	۰/۷۰۸
مدیریت تحریم‌ها	۱	۱	۰/۴۰۸	۱
نگرش دیجیتالی و تحولی بانک	۰/۶۷۷	۰/۷۳۵	۰/۴۴۹	۰/۷۰۱
بازیگران تدوین خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال	۰/۶۸۱	۰/۷۱۳	-	۰/۷۷۷
بازیگران دولتی و حاکمیتی تدوین	۰/۵۶۴	۰/۷۲۳	۰/۸۵۹	۰/۷۹۲
بازیگران بخش خصوصی تدوین	۰/۵۰۳	۰/۷۰۰	۰/۳۸۲	۰/۷۱۳
بازیگران جامعه مدنی تدوین	۰/۵۱۴	۰/۷۴۳	۰/۴۴۵	۰/۷۴۹
بازیگران اجراء خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال	۰/۵۵۶	۰/۷۶۳	-	۰/۷۵۷
بازیگران دولتی و حاکمیتی اجراء	۰/۶۳۷	۰/۷۰۳	۰/۶۱۰	۰/۷۰۷
بازیگران بخش خصوصی اجراء	۰/۵۱۸	۰/۸۸۹	۰/۵۹۲	۰/۷۴۶
بازیگران جامعه مدنی اجراء	۰/۵۳۵	۰/۷۶۴	۰/۸۱۶	۰/۷۱۹
بازیگران ارزیابی خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال	۰/۷۰۹	۰/۷۸۰	-	۰/۷۴۱
بازیگران دولتی و حاکمیتی ارزیابی	۰/۹۷۹	۰/۹۹۰	۰/۸۰۲	۰/۹۷۹
بازیگران بخش خصوصی ارزیابی	۱	۱	۰/۳۵۷	۱
بازیگران جامعه مدنی ارزیابی	۰/۵۹۹	۰/۷۰۹	۰/۳۳۸	۰/۷۵۴
تعاملات هم‌افزا بین بازیگران خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال	۰/۵۹۷	۰/۸۱۹	-	۰/۸۵۹
تعامل پویا بین بازیگران مراحل مختلف خط‌مشی‌گذاری	۰/۵۵۹	۰/۷۸۸	۰/۷۴۸	۰/۷۹۲
تعامل درونی پویای بازیگران	۰/۶۱۴	۰/۷۳۳	۰/۶۱۲	۰/۷۴۵
پیامدهای خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال	۰/۶۲۷	۰/۷۰۳	-	۰/۸۲۶
پیامدهایی برای مشتریان	۰/۵۶۲	۰/۷۲۸	۰/۳۰۵	۰/۷۵۲
پیامدهایی برای بانک	۰/۵۴۷	۰/۷۰۱	۰/۸۰۹	۰/۷۴۹
پیامدهای کلان	۰/۶۷۹	۰/۸۶۰	۰/۸۸۴	۰/۸۹۶

در نهایت، نتایج حاصل از اجراء در سطح مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های مرتبط با ابعاد، به قرار ذیل می‌باشند:

الف- ضرورت‌های خطمشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال:

چالش‌های کنونی خطمشی‌گذاری در نظام بانکی کشور: چالش‌های تدوین و نیز چالش‌های اجراء و ارزیابی. الزامات خطمشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال: لزوم نگرش اکوسیستمی به بانکداری دیجیتال و نیز تحول دیجیتال و اقتصاد هوشمند.

ب- دروندادهای خطمشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال:

حاکمیت مدیریت یکپارچه و توانمند: ثبات مدیریت و مدیریت تحول‌گرا. منابع انسانی توانمند و سازگار با فضای تحول دیجیتال: منابع انسانی دیجیتالی و توانمند. زیرساخت‌های دیجیتالی شدن: زیرساخت‌های فن‌آوری، تعامل بین مردم و دولت و نیز سرمایه‌گذاری برای دیجیتالی شدن.

مدیریت تحریم‌ها: بهره‌گیری از روش‌های خنثی‌کننده تحریم‌ها.

نگرش دیجیتالی و تحولی بانک: وجود مفاهمه در زمینه دیجیتالی شدن و موضع فعال بانک‌ها در تحولات.

ج- بازیگران خطمشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال:

بازیگران تدوین خطمشی شبکه‌ای بانکداری دیجیتال در ایران: با توجه به اینکه در خصوص زیرمؤلفه‌هایی که وزن آنها کمتر از ۰/۴ است، بایستی تصمیم‌گیری صورت گیرد، زیرمؤلفه‌های دارای بار عاملی کوچکتر از ۰/۴ حذف می‌شوند. بنابراین، نقش زیرمؤلفه‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت (۰/۱۶۶)، معاونت علمی و فن‌آوری ریاست جمهوری (۰/۱۴۴)، شورای هماهنگی بانک‌های دولتی (۰/۳۴۴)، قوه قضائیه (۰/۰۳۸)، شرکت‌های فن‌آوری (۰/۳۱)، کانون بانک‌های غیردولتی (۰/۱۱۸)، اتاق بازرگانی (۰/۳۰۰) و افراد مستقل صاحب‌نظر (۰/۳۴۶) در بخش تدوین حذف شده‌اند. بنابراین، بازیگران تدوین عبارتند از:

بازیگران بخش دولتی و حاکمیتی تدوین: بانک مرکزی، شورای پول و اعتبار، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی، مجلس شورای اسلامی و کمیسیون اقتصادی آن، وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، شورای عالی فضای مجازی، نهادهای امنیت داده‌ها، سازمان ثبت احوال و شورای فقهی.

بازیگران بخش خصوصی تدوین: مجمع عمومی بانک‌های خصوصی، فین‌تک‌ها، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری خصوصی و مراکز نوآوری.

بازیگران بخش جامعه مدنی تدوین: تشکل‌های صنفی، سازمان‌های مردم‌نهاد، اتاق اصناف و رسانه‌ها.

بازیگران اجرای خطمشی شبکه‌ای بانکداری دیجیتال در ایران: در این بخش نیز نقش زیرمؤلفه‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت (۰/۳۲۲)، گمرک (۰/۱۰۴)، مجموعه‌های دانش‌بنیان (۰/۳۵۱) و نهادهای خودانظمام (مثل سندیکای نظام صنفی رایانه‌ای) (۰/۲۱۶) در مرحله اجراء حذف شده‌اند. بنابراین، بازیگران اجراء عبارتند از:

بازیگران بخش دولتی و حاکمیتی اجراء: بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی، وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات، نهادهای اقتصادی غیربانکی (بورس، بیمه و...) شبکه‌های تبادل اطلاعات، سازمان ثبت احوال و سازمان امور مالیاتی.

بازیگران بخش خصوصی اجراء: بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری خصوصی، تامین کنندگان تکنولوژی، فین‌تک‌ها و شرکت‌های بیمه.

بازیگران بخش جامعه مدنی اجراء: سازمان‌های نظام صنفی و رسانه‌ها.

بازیگران ارزیابی خطمشی شبکه‌ای بانکداری دیجیتال در ایران: با توجه به اینکه هیچ‌یک از زیرمؤلفه‌هایی این بخش حذف نشده‌اند، بازیگران ارزیابی عبارتند از:

بازیگران بخش دولتی و حاکمیتی ارزیابی: بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، قوه قضائیه، نظام خودارزیابی بانک‌های دولتی و مجمع عمومی بانک‌های دولتی.

بازیگران بخش خصوصی ارزیابی: نظام خودارزیابی بانک‌های خصوصی.

بازیگران بخش جامعه مدنی ارزیابی: مردم و مشتریان و نیز تشکل‌های صنفی.

د- تعاملات هم‌افزا بین بازیگران خطمشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال:

تعامل پویا بین بازیگران مراحل مختلف خطمشی‌گذاری: تعامل سازنده بین بازیگران تدوین و اجراء، تعامل سازنده بین بازیگران تدوین و ارزیابی و تعامل سازنده بین بازیگران ارزیابی و اجراء.

تعامل درونی پویای بازیگران: تعامل درونی سازنده بین بازیگران تدوین، تعامل درونی سازنده بین بازیگران اجراء و تعامل درونی سازنده بین بازیگران ارزیابی.

ه- پیامدهای خطمشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال:

در این بخش، نقش زیرمؤلفه‌های کاهش تضاد و تعدد قوانین و مقررات (۰/۳۱۷)، اشتغال‌زایی (۰/۲۲۰) و افزایش حجم کار اقتصادی (۰/۱۸۳) به دلیل داشتن بار عاملی کمتر از ۰/۴ در محاسبات انجام‌شده، حذف شده‌اند. بنابراین، زیرمؤلفه‌های قابل قبول پیامدهای خطمشی‌گذاری شبکه‌ای بانکداری دیجیتال عبارتند از: پیامدهایی برای مشتریان: ارزش‌آفرینی، تجربه خوشایند مشتری و نیز متناسب‌سازی محصولات و خدمات با نیاز مشتری.

پیامدهایی برای بانک: توان و تمایل به تداوم اجراء و تحقق بانکداری دیجیتال، وفاداری و رضایت‌مندی مشتریان، خطمشی‌های متناسب با ظرفیت اجرایی بانک، پذیرش و مشارکت در اجراء، چابکی بانک، کاهش موازی‌کاری‌ها، کاهش هزینه‌ها و کارآمدی بانک، فعالیت بهتر بانک در عرصه بین‌المللی و روشن شدن ابعاد پاسخگویی قانونی بانک‌ها.

پیامدهای کلان: استقرار اقتصاد هوشمند، تخصیص بهینه منابع محدود، چابکی نهادهای حاکمیتی، توزیع مناسب درآمد، شفافیت در حوزه اقتصادی، تحرک در بخش تولید، توسعه بازار، شفافیت سیستم بانکی کشور و روابط بازیگران، تعامل بهتر کشور با کشورهای دیگر از منظر بانکی و تسهیل نظارت بر سیستم بانکی در کشور.

نتیجه‌گیری

به‌کارگیری و استفاده گسترده از شبکه‌های خطمشی‌گذاری و اتخاذ تصمیمات مدیریتی با مشارکت شبکه‌های ذی‌نفعان و جوامع مربوطه، فرآیندی است که در قالب خطمشی‌گذاری شبکه‌ای، جهت برون‌رفت از روندهای

ناکارآمد پیشین (سلسله‌مراتبی و...) توصیه شده است. مسائل دنیای امروز دارای ابعاد گسترده‌ای بوده و ناشی از منابع مختلف می‌باشند. بنابراین، برای خطمشی‌گذاری در جهت حل این مسائل، می‌بایست تمامی ذی‌نفعان شناسایی شده و در فرآیند خطمشی‌گذاری مشارکت داده شوند.

این پژوهش، هم از منظر پرداختن به مقوله خطمشی‌گذاری شبکه‌ای و هم به لحاظ ارائه الگوی خطمشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری به‌طور اعم و بانکداری دیجیتال به‌طور اخص، به هر دو عرصه یاری رسانده است. از آنجایی که در این مطالعه، اقدام به شناسایی مسائل و چالش‌های کنونی خطمشی‌گذاری در نظام بانکی کشور و نیز شناخت ضرورت‌ها، دروندادها، بازیگران، تعاملات هم‌افزا بین بازیگران و در نهایت پیامدهای خطمشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری دیجیتال شده است، بستر مناسبی برای دست اندرکاران این حوزه برای خطمشی‌گذاری علمی و مبتنی بر شناسایی و مشارکت ذی‌نفعان فراهم گردیده که برای تحقق کامل اهداف و اثربخشی فرآیند خطمشی‌گذاری در حوزه بانکداری دیجیتال بسیار راهگشا خواهد بود؛ زیرا یکی از دلایل اصلی عدم پیاده‌سازی مطلوب خطمشی‌ها و نیز عدم توفیق در اجرای نزدیک به کامل آن‌ها، عدم درگیرسازی ذی‌نفعان در مراحل مختلف خطمشی‌گذاری می‌باشد که نتیجه آن، علاوه بر ایجاد کاستی در خطمشی تدوینی، مواجه‌شدن خطمشی با چالش‌های مختلف و بعضاً بسیار پیچیده در مرحله اجرا نیز می‌باشد.

مواردی همچون فقدان بانک مرکزی قوی و مستقل به عنوان نهاد ناظر و محور مقررات‌گذاری در نظام بانکی کشور، تعدد خطمشی‌گذاران، عدم هماهنگی و یا تضاد و در نتیجه، عدم همگرایی در خطمشی‌های تدوین‌شده جهت پیاده‌سازی در نظام بانکی کشور و نیز عدم درک صحیح از فضای دیجیتال توسط خطمشی‌گذاران، به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌های تدوین خطمشی و همچنین، عدم تعهد کافی به اجرای مؤثر خطمشی، واکنش منفی بانک‌ها به تغییرات، وجود مدل سیاسی مبتنی بر بازی قدرت و منافع در ایران و نیز وجود سیستم‌های جزیره‌ای و چه‌بسا موازی، به‌عنوان اهم چالش‌های اجراء و ارزیابی خطمشی‌ها، نشان از ضرورت طراحی الگویی مناسب در این خصوص دارند. همچنین، آمادگی اکوسیستم نظام بانکی برای اجرای مدل‌های نوین بانکداری و دیجیتالی‌شدن مدل کسب‌وکار در صنعت بانکداری از طریق انطباق زیرساخت‌ها، سرمایه انسانی و فرهنگی و نیز فرآیندهای مربوطه، با نظام بانکداری دیجیتال، از جمله الزامات مهم استقرار الگوی خطمشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری دیجیتال می‌باشند.

تأکید بر ثبات مدیریت (عدم اعمال تغییرات مدیریتی به‌دلیل تغییرات سیاسی و موارد مشابه)، مدیریت تحول‌گرا (حمایت همه‌جانبه و نیز توانایی و قابلیت مدیریت تغییرات، متناسب با توسعه بانکداری دیجیتال)، برخورداری از منابع انسانی دیجیتالی و توانمند (توسعه منابع انسانی، با تمرکز بر آموزش مهارت‌های دیجیتالی)، توسعه زیرساخت‌های فن‌آوری (بهره‌گیری از زیرساخت‌های ارتباطی قوی و ایمن به عنوان بستر ارائه‌دهنده خدمات دیجیتال)، تعامل سازنده بین مردم و دولت (همراهی مردم با فرآیندهای دیجیتالی‌شدن و مشارکت آنها در این زمینه با دولت)، سرمایه‌گذاری مناسب برای دیجیتالی‌شدن، بهره‌گیری از روش‌های خنثی‌کننده تحریم‌ها در شرایط کنونی کشور، وجود مفاهیم در زمینه دیجیتالی‌شدن (آگاهی و درک مشترک همگانی نسبت به معنی، محتوا و

مزایای دیجیتال شدن) و در نهایت، موضع فعال بانک در تحولات (پیشروبودن بانک در پذیرش تحولات و آگاهی به عدم کارآمدی شیوه‌های گذشته)، از زیرمؤلفه‌های مهم مرتبط با بعد دروندادهای الگوی طراحی شده می‌باشند. شناسایی و جلب مشارکت بازیگران مختلف در نقش‌های حاکمیتی و دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی در هریک از مراحل تدوین، اجراء و ارزیابی فرآیند خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری دیجیتال، ضمن برقراری تعامل پویای بین بازیگران مراحل مختلف خط‌مشی‌گذاری و تعامل درونی پویای بازیگران هر مرحله از فرآیند خط‌مشی‌گذاری، به‌همراه فراهم‌نمودن بسترهای لازم برای ایجاد سازوکار بازخوردی شبکه‌ای، برگزاری رویدادهای همایشی، برگزاری جشنواره‌ها برای تبادل اطلاعات، تبادل تجارب و اطلاعات بازیگران و نیز برگزاری جلسات مشترک نهادهای ارزیاب، اهمیت به‌سزائی در مراحل تدوین، اجراء و ارزیابی الگوی طراحی شده، دارند و لازم است مورد توجه قرار گیرند.

در این راستا، لازم به ذکر است که در عرصه بانکداری دیجیتال، این بستر فراهم می‌شود که گروه‌های مشتریان و حتی تک‌تک آن‌ها، به‌طور کامل شناسایی شده، در کانون توجه قرار گیرند و به آن‌ها، خدمات و محصولات سفارشی‌شده عرضه گردد. در دنیای نوین بانکداری دیجیتال، بانک‌ها قادر خواهند بود از طریق نوآوری در مدل‌های کسب‌وکار و ارائه خدمات نوین، درآمدهای خود را افزایش و هزینه‌های خود را کاهش دهند. استفاده از ابزارها و فرآیندهای دیجیتالی در بانک‌ها، علاوه بر اینکه موجب به حداقل رساندن موازی‌کاری‌ها می‌شود، باعث چابکی و افزایش توان تطبیق بانک با تغییرات نیز می‌گردد. از این رهگذر، چنانچه خدمات موردنیاز بخش تولید کشور به درستی برنامه‌ریزی و ارائه شود، موجبات پویایی در بخش تولید کشور نیز فراهم می‌گردد که این پویایی، می‌تواند تأثیر مثبتی بر اشتغال‌زایی در سطح کشور هم داشته باشد. همچنین، با توجه به اینکه در عصر حاضر، ارتباطات مالی بین کشورها در سطح بین‌المللی از طریق کانال‌های دیجیتال برقرار می‌شوند، تأکید بر توسعه نظامات بانکداری دیجیتال، می‌تواند تعاملات مالی کشور را به‌نحو مطلوب‌تری بهبود بخشد.

در خاتمه و با عنایت به موارد پیش‌گفته، می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری نمود که استقرار نظام‌مند بانکداری دیجیتال که ضرورت کنونی نظام بانکی کشور است، مستلزم بهره‌گیری از یک الگوی مناسب خط‌مشی‌گذاری با رویکردی شبکه‌ای می‌باشد.

فهرست منابع

- * آذر، عادل، غلامزاده، رسول و قنواتی، مهدی. (۱۳۹۱). مدلسازی مسیری - ساختاری در مدیریت. نگاه دانش. تهران.
- * اسکندری نیا، نیما، دانش فرد، کرم‌اله و فقیهی، ابوالحسن. (۱۳۹۷). کاربردپذیری و گونه شناسی الگوهای نوین خط‌مشی‌گذاری: الگوهای انطباقی، شبکه‌ای و نوآوری. پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ۷۳(۲۵)، ۳۳-۱۳.
- * الوانی، مهدی، مقیمی، محمد، آذر، عادل و رحمتی، محمدحسین. (۱۳۹۰). خط‌مشی‌گذاری در نظام آموزش کارآفرینی در ایران. کار و جامعه، ۱۴۰، ۳۰-۴.

- * جهان‌دیده، سامان، رحمتی، محمدحسین و زارعی‌متین، حسن. (۱۳۹۶). طراحی مدلی برای خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای در حوزه گردشگری کشور. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۵(۳)، ۴۸۳-۵۰۲.
- * شریف‌زاده، فتاح، سادات حقی، عطیه، حسین‌پور، داوود و میرمحمدی، محمد. (۱۳۹۷). ارائه مدلی با رویکرد شبکه‌ای به خط‌مشی‌گذاری کارآفرینی. پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۱(۴۰)، ۲۶-۵.
- * قدمی، مهدی، موسی‌خانی، مرتضی، الوانی، سیدمهدی و یزدانی، حمیدرضا (۱۴۰۱). طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری بانکداری دیجیتال مبتنی بر رویکرد شبکه‌ای در ایران، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۸(۱) ۱۵-۱۶.
- * کاملی، محمدجواد. (۱۳۸۸). الگویی برای خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای در ناجا (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
- * گل‌دار، زهرا، امیری، مجتبی، قلی‌پور سوتنه، رحمت‌اله و معظمی، منصور. (۱۳۹۶). طراحی چارچوب مفهومی درگیری‌سازی ذی‌نفعان در خط‌مشی‌گذاری عمومی. دانش حسابرسی، ۱۷(۶۶)، ۱۰۴-۸۱.
- * لک، بهزاد، رضایی‌نور، جلال، حسینی‌رضی، الهام و خسروی، سروش. (۱۳۹۵). شناسایی عوامل مؤثر بر انتخاب راهبرد مدیریت دانش در ناجا. فصلنامه مدیریت منابع در نیروی انتظامی، ۴(۳)، ۳۰-۱۱.
- * مختاریان پور، مجید، حسینی، فردین و رزمی، علی. (۱۳۹۴). شبکه‌های اجرای خط‌مشی (رویکرد شبکه‌ای به اجرای خط‌مشی‌های عمومی). نخستین کنفرانس ملی مدیریت دولتی ایران. تهران.
- * Dickinson, D. (2019). Digital Banking. <https://www.temenos.com/wp-content/uploads/2019/08/Digital-Banking-whitepaper-2019-Aug-21.pdf>
- * Han, S., & Ye, F. (2017). China's education policy-making: A policy network perspective. *Journal of Education Policy*, (32)4, 389-413.
- * Heras, H. A., Estensoro, M., & Larrea, M. (2020). Organizational ambidexterity in policy networks. *Competitiveness Review: An International Business Journal*.
- * Hoxha, J. (2020). Introduction: Extending the Study of Policy Networks Beyond Their Original Context. In *Network Policy Making within the Turkish Health Sector: Becoming Collaborative*. Emerald Publishing Limited.
- * Kaur, S. J., Ali, L., Hassan, M. K., & Al-Emran, M. (2021). Adoption of digital banking channels in an emerging economy: exploring the role of in-branch efforts. *Journal of Financial Services Marketing*, 1-15.
- * Moschitz, H., & Stolze, M. (2010). The influence of policy networks on policy output. A comparison of organic farming policy in the Czech Republic and Poland. *Food Policy*, (35)3, 247-255.
- * Perl, Anthony, Howlett, Michael, & Ramesh, M. (2018). Policy-making and truthiness: Can existing policy models cope with politicized evidence and willful ignorance in a "post-fact" world?. *Policy Sciences*, Springer. Society of Policy Sciences, (51)4, 581-600.
- * Zheng, H., De Jong, M., & Koppenjan, J. (2010). Applying policy network theory to policy-making in China: the case of urban health insurance reform. *Public Administration*, (88)2, 398-417.

Validating the Network Policy-Making Model in the Field of Digital Banking in Iran

Mehdi Ghadami

Public Administration PhD Candidate, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Morteza Mousakhani

Professor of Public Administration, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Sayyed Mehdi Alvani

Professor of Public Administration, Faculty of Public Administration, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran

‘Corresponding Author’

Hamid Reza Yazdani

Associate Professor of Business Administration, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran

Abstract

Given the increasing changes and transformations in various fields, including public policy-making, critics of public administration believe that hierarchical models are not efficient enough to address current challenges. For this reason, in pursuit of new solutions, the concept of networking has been entered the field of public administration issues and public policies. Networks make it possible to identify all stakeholders and involve them in the policy-making process. Regarding to the important fact that the digitalization of the economy and following that, the banking industry is one of the phenomena of the present age, the digital banking requires networking public policy-making with keeping actors, stakeholders and influencers in mind.

The aim of this study has been the identification and validation of the dimensions and components of the digital banking network policy-making model in the Iran banking system. The research method is based on using the qualitative (focusing on Thematic Analysis) and quantitative analysis techniques (focusing on the Confirmatory Factor Analysis - CFA).

Keywords: Public Policy-Making, Policy Network, Iran Banking System, Digital Banking, Confirmatory Factor Analysis.